بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

جغرافیای قفقازیه

(جغرافیای تاریخی گرجستان، ارمنستان و اران)

ترجمه

ماردروس داودخانف

مقدمه، تصحیح، تعلیقات و اضافات

الهام ملک‌زاده

(عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

همهٔ حقوق این کتاب انحصاراً برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

جغرافیای قفقازیه

(جغرافیای تاریخی گرجستان، ارمنستان و اران)

مترجم: ماردروس داودخانف

مقدمه، تصحیح، تعلیقات و اضافات: الهام ملک‌زاده

طراح جلد: علیرضا ایرانی گلشن

چاپ و صحافی: تفرید

چاپ اوّل: ۱٤۰۵

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

نشانی: تهران، بزرگ‌راه کردستان، خیابان ٦٤ غربی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تلفن انتشارات: ۸۸٦۲٤٤۳۸ ؛ تلفن فروشگاه کتاب: ۸۸۳۱۷۱۹۱

عنوان و نام پدیدآور: جغرافیای قفقازیه (جغرافیای تاریخی گرجستان، ارمنستان و اران)/ مترجم ماردروس داودخانف؛ مقدمه،تصحیح، تعلیقات و اضافات الهام ملک‌زاده.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،۱٤۰٤.

مشخصات ظاهری: ۳۵۲ص.

شابک: 978-622-8669-19-9

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی:Caucasus geography (historical geography of Georgia, Armenia and Iran).

یادداشت: کتابنامه:ص.۳۰۱-۳۰٤.

یادداشت: نمایه.

موضوع: قفقاز

Caucasus

موضوع: جغرافیای تاریخی

Historical geography

شناسه افزوده: ملک‌زاده، الهام، ۱۳۵۲ -

شناسه افزوده: داودخانف، مادروس، -۱۳۲۲ق. ، مترجم

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شناسه افزوده: Institute for Humanities and Cultural Studies

رده بندی کنگره: DK۵۱۱

رده بندی دیویی: ۹٤۷/۵

شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۳۸۸٦۰۷

فهرست

پیش‌گفتار ۵

فهرست مطالب جلد هجدهم «تقویم قفقاز» ۱۷

وجه تسمیه قفقاز ۲۶

تاریخ مختصر قفقاز ۲۹

جغرافیای دینی قفقاز ۳۳

جمهوری آذربایجان ۳۶

ارمنستان ۳۸

گرجستان ۴۱

تاریخ گرجستان ۴۲

تفلیس ۴۸

توصیف تفلیس ۵۲

جغرافیای تفلیس ۵۴

فصل اول: متن نسخه ترجمه فارسی ۵۷

بخش اول ۹۰

بخش دوم ۹۷

بخش سوم ۱۱۲

بخش چهارم ۱۱۵

بخش پنجم ۱۴۲

بخش ششم ۱۵۶

فصل دوم ۱۵۹

بخش اول: در فهرست وقایع عمده و معروف که در مملکت قفقاز شمالی و قفقاز جنوبی اتفاق‌افتاده و تنظیمات دولتی متعلق به آن مملکت ۱۵۹

بخش دوم: سنه بعد از تولد حضرت عیسی ۱۶۳

فصل سوم: فهرست کارپردازخانه‌ها و دیوانخانه‌ها و امناء و رؤسا و سایر صاحب منصبان دولت در کل مملکت قفقاز شمالی و قفقاز جنوبی ۲۴۵

فهرست منابع و مآخذ ۳۰۱

نمایه اشخاص ۳۰۵

نمایه جای‌ها ۳۲۷

نمایه اقوام، طوایف، مذاهب، سلسله‌ها ۳۴۵

ضمایم ۳۴۹

پیش‌گفتار

«جغرافیای قفقازیه» عنوان نسخه‌ای خطی است که در دوران ناصرالدین‌شاه قاجار و توسط ماردروس [مارتیروس] داودخانف[1]، مترجم و معلم زبان روسی دارالفنون از زبان روسی به فارسی ترجمه و کتابت گردید. این کتاب مشتمل است بر سالنامه‌ای از مسائل و وقایع قفقاز، جغرافیای مناطق آن، همچنین توصیف مشروح شهر تفلیس و مسائلی که بر اثر بروز وبا در قفقاز پیش آمد و اقداماتی که برای سدّ شیوع و دفع آن صورت پذیرفت. ترجمه نسخه در سال ۱۲۸۷ ه.ق/۱۸۷۰ م، پایان یافته و شرح وقایع مقارن همان زمان را در بر گرفته است. نسخه، در چند فصل حاوی مطالب ارزشمندی است که اهم آنها به شرح زیر است: مسائل جغرافیایی و ژئوپولیتیکی منطقه، وضعیت شهرها و آبادی‌ها، جمعیت و دلایل رونق یافتن برخی شهرها در مقایسه با سایر نقاط، آثار طبیعی و تاریخی منطقه، وقایع مهم تاریخی و سیاسی که از دیرباز در تاریخ قفقاز به وقوع پیوسته، قوانین و مقررات اداره پُست، اطلّاعات مربوط به راه‌ها و هزینه تعمیرات آنها، شرحی مبسوط درباره اقدامات در شئون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، روابط خارجی، مذهبی و جز آن، به تفکیک سال وقوع که بر ارزش نسخه کنونی به‌عنوان مأخذ برای تاریخ منطقه قفقاز افزوده‌است.

بنابرآنچه که در انجام کتاب آمده است، به فرمان ناصرالدین شاه و کوشش یحیی‌خان معتمدالملک، این کتاب که موضوع اصلی آن «آلماناک قفقازیه» است «به سعی و اهتمام و مواظبت ماردروس داودخانف مترجم و معلم درس زبان روسی» دارالفنون از روسی به فارسی ترجمه شده‌است.

ماردروس (۱۲۵۹-۱۳۲۳ق/۱۸۴۳-۱۹۰۵ م) یکی از ارامنه اهل جلفا بود، که برای تحصیل به مسکو رفت و بعد از اینکه تحصیلات خود را در دانشکده السنه شرقیه لازارف

1. Martiros Davidkhanov

مسکو[۱] به اتمام رساند به ایران برگشت و به تدریس زبان روسی در دارالفنون پرداخت. علاوه بر این، ماردروس زبان روسی را نیز به ناصرالدین شاه تعلیم می‌داد. او ۳۲ سال در مدرسه دارالفنون زبان روسی تدریس کرد و ۲۶ سال نیز مترجم قزاق خانه بود. چند سالی هم، در دارالطباعه دولتی و دارالترجمه خاصه شاه، مترجم روسی و فرانسوی بود. اسکندرخان پسر ماردروس بعد از درگذشت پدرش به‌جای او در دارالفنون زبان روسی را تدریس می‌کرد.[۲]

چگونگی آشنایی ناصرالدین شاه و یحیی‌خان معتمدالملک با این کتاب آشکار نیست و بر ما معلوم نشد فرمان ترجمه آن، چه هنگام به نویسنده کتاب ماردروس داودخانف، ابلاغ شد که وی کار ترجمه آن را در جمادی الاول ۱۲۸۷ ه.ق/ اوت ۱۸۷۰ م، به پایان رساند.

با وجود این، از سیاق باطنی انجام کتاب بر می‌آید معتمدالملک که روزگاری نایب سفیر ایران در پطرزبورگ بود و پس از آن آجودان مخصوص و مترجم حضور ناصرالدین شاه شد، بر اثر دوستی و همنوایی با ماردروس داودخانف روسی با این کتاب آشنا شد و به سعی و اهتمام او، شاه نیز به وجود کتاب پی برد و فرمان ترجمه آن را به فارسی صادر کرد.

فصل‌بندی «آلماناک قفقازیه»، چندان دقیق و منسجم نیست و به‌طور کلی از دو فصل تشکیل شده‌است. پیش از این دو فصل، مطلب مفصلی «که مشتمل است بر بعضی از جغرافیای قفقازی و مختصری از تفصیل شهر تفلیس و شرحی از اسباب و جهت بروز نوبه و جهات دافعه آن در آن شهر» نوشته‌شده که عنوان ***مقدمه*** بر آن گذاشته شد. همچنین برای آسانی و استفاده بهتر از کتاب، فصل اول به شش بخش و فصل دوم به دو بخش تقسیم گردید.

مقدمه این کتاب در واقع مطالبی است درباره علل بروز بیماری نوبه در تفلیس و راه‌های مبارزه با آن. گویا داودخانف از نظریه میکروبی لوئی پاستور (۱۸۹۵–۱۸۲۲) آگاه نبود و به همین سبب اشاره‌ای به نقش میکروب در بروز و شیوع این بیماری نکرده است و علت آنها را در بخارهای مسمومی جستجو می‌کرد که از بقایای پوسیده مواد آلی متصاعد و در همه جای تفلیس پراکنده می‌شدند. داودخانف در این باره نوشته‌است: «جهت عمده

---

۱. انستیتوی زبان‌های شرقی لازارف مسکو (Lazarev Institute of Oriental Languages) در سال‌های ۱۹۲۷–۱۸۱۵ م به عنوان یکی از معتبرترین مراکز آموزشی شرق‌شناسی روسیه محسوب می‌شد.

۲. بامداد، مهدی، شرح رجال ایران در قرون ۱۲و۱۳و۱۴ هجری، (تهران: گلشن، ۱۳۷۱) جلد پنجم، صص ۱۸۶–۱۸۷.

مرض مذکور در تفلیس، مجاورت هوای دشت گوری است و هوای دیگری که نیز مورث مرض مذکور می‌شود در تفلیس هوای خود رود کورا است که اگرچه معبر ایـن رود بسـیار کم عرض است، ولی باز در قعر رود، زمین مسطح یافت می‌شود که بـه‌واسـطه وجـود آب اغلب اوقات گیاه بسیار می‌روید و همین‌که این نباتات بپوسند، هوای آن مکان مـتعفن شـده مخلوط هوای تفلیس شود و بدین واسطه نیز مرض نوبه در آن‌جا شدید می‌شود» (ص ۱۳).

بررسی اسباب شیوع بیماری نوبه در تفلیس بهانه‌ای بود تا داودخانف، مطالب کوتـاه و سودمندی درباره تفلیس بنویسد. بنا بر مطالعات داودخانف: «هزار و پانصد سال قبل از این به‌جای شهر تفلیس قریه کوچکی بوده و ایرانیان در آن قریه، قلعه محقری بنا نهاده‌بودنـد... بعد از آن سلاطین گرجستان آنجا را متصرف گشته و آن قلعه را خراب کردنـد... و بعـد از استقلال سلاطین گرجیه در قرب چشمه آب گرم گوگرد بنای همـین شـهر را نهادنـد کـه موسوم شد به تبیلیسی یعنی آب گرم و بعد از آنکـه روسـیه آن شـهر را متصـرف شـدند، اسمش تبدیل یافت به تفلیس».

داودخانف پس از مقایسه تفلیس قدیم و تفلیس جدید از نظر وسـعت و اوضـاع شـهر به‌لحاظ ساختمان‌ها و وجود باغ‌ها، نکته‌های مهم و درخور توجهی دربـاره عقایـد عامـه و رفتار جمعی مردم ارائه کـرده کـه نشـان از دقـت و توجـه اوسـت بـه آنچـه در اطـرافش می‌گذشت. چنان‌که درباره عقاید عامه نوشته‌است: «عـوام مـا صـدای رعـد و بـرق را کـه می‌شنوند می‌گویند، ایلیا یکی از انبیاء در آسمان با کالسکه گردش می‌کند». همچنین درباره رفتار جمعیِ گروهیِ اهالی تفلیس یادآوری کرده است: «اهل دهـات عـادت کـرده‌انـد کـه متصل در کثافات غوطه‌ور باشند. مثلاً از آن قبیل در جلوی هر خانه زباله بسیار انبار کرده‌اند و هیچ‌کدام دربند پاکیزگی درب خانه خود نیستند و آن خاکروبه همین قِسم می‌ماند تا اینکه به میل خود معدوم گردد و بدین واسطه ابخره مضره از آنها متصاعد می‌شود و این تعجـب است که کثافت ساکنین از مجاورت به اهل اروپ نیز تأثیر کرده چنان‌که بعضی نمسه‌ها که در آن‌جا مسکن دارند، آنها هم مانند سایرین ابداً به فکر تنظیم و تنقیح حیاط و جلوی خانه خود نیستند، مگر به‌ندرت شخصی با سلیقه پیدا شود».

در جای دیگر تأکید کرده است: «اما با وجود این همه معایب که برای کوچه‌ها ذکـر کردیم، چون ملاحظه بازارها را کنیم، عفونات کوچه‌ها هیچ خواهد شد به‌خصوص دکاکین و بازارهایی که در آنها میوه‌جات و مأکولات فروخته می‌شوند کـه آنهـا بـه حـدی کثیـف می‌باشند که شخصی که عادت به آن هوا نداشته‌باشد به‌محض ورود در آن‌جا چنـان متنفـر می‌شود که هیچ خیالی ندارد، مگر فرار از آن‌جا».

داودخانف، زبان فارسی را به‌خوبی می‌دانست. از مقدمه کتابش درباره تفلیس می‌توان دریافت تا چه اندازه در خواندن و نوشتن به فارسی ذوق و مهارت داشت. داودخانف برای بیان مطالب خود از واژه و ترکیب‌های فراوانی بهره گرفته که تعدادی از آنها را در معانی تازه‌ای به کار برده‌است که معلوم نیست آنها را بر ساخته یا از جای دیگری اقتباس کرده است. نمونه‌ای از این دست واژه و ترکیب‌ها عبارتند از: آتشخانه به معنی اسلحه گرم، خانه‌دار به معنی صاحب‌خانه، میل ملایم به معنی شیب کم، آثار طبیعی به معنی جغرافیای طبیعی و برگ رها به معنی برگ جدا شده از درخت.

داودخانف، به شیوه تعدادی از نویسندگان متصنع و مغلق‌نویس عصر قاجار، تعدادی از کلمه‌ها را به‌روش جمع مکسر عربی جمع بسته که ممکن است فهمیدن معنی آنها برای شماری از خوانندگان امروزی دشوار باشد. مثلاً ***عایق*** را که اسم فاعل است به‌صورت ***عمایق*** جمع بسته است و به معنی «بازدارنده و مانع» به کار برده که درک معنی آن به آسانی ممکن نیست. شاید کسانی آن را جمع مکسر عمیق بخوانند. افزون بر استفاده از جمع مکسر شیوه جمعِ جمع آن هم با ***ات*** نیز به کار گرفته شده و کلمه ***حوادث*** به ***حوادثات*** تبدیل گردیده‌است.

دستور خط (رسم‌الخط)

رسم‌الخط این کتاب در همه موارد به شیوه امروزی در آمده که پاره‌ای از آنها عبارتند از:

می‌نهد ← می‌نهد

آن سر ← آن سر

بمقصود ← به مقصود

کشته ← گشته (در همه‌جا به شیوه قدیم به‌جای ***گ***، ***ک*** نوشته شده‌است).

همآن‌جا ← همان جا

به مرسید ← به‌هم رسید

دریاچها ← دریاچه‌ها

مرکبست ← مرکب است

همین که ← همین‌که

رابطه ← رابطه‌ای

آبیکه ← آبی که
بارنده‌گی ← بارندگی
انقضا ← انقضای
جهة ← جهت
به پوسد ← بپوسد
بیقاعده ← بی‌قاعده
کوچ‌ها ← کوچه‌ها
نوشته‌جات ← نوشتجات

فصل اول: در بخش اول این فصل زیر عنوان «فهرست وقایع و حوادثات غریبه که در سنه ۱۸۶۱ م، در قفقازیه و در اطراف آن اتفاق‌افتاده‌اند». رویدادهایی بیان‌شده‌اند که نخستین واقعه زلزله‌ای است که در ۱۵ ژانویه در اطراف بادکوبه رخ داد و آخرین آنها نیز ثبت زمین‌لرزه‌ای است که در ۲۴ اکتبر در شهر *پیاتیگورست* روی داد. در این فهرست کوتاه از هفت زمین‌لرزه و چند حادثه طبیعی دیگر از جمله مشاهده ستاره دنباله‌دار و پیدایش یک جزیره طبیعی در دریای خزر یاد شده که همه آنها به‌لحاظ آمایش زمین در منطقه و نیز دگرگونی‌های کف دریای خزر بسیار مهم است و کاربرد علمی فراوان دارد. همچنین در فهرست نسبتاً مفصلی «اسامی شهرها و امکنه متفرقه» مختلفی نوشته‌شده و در دو ستون دیگر که در برابر این فهرست قرار دارد، «ایام و ساعات حرکت» و «ایام و ساعات ورود» نوشته شده‌است که نشان‌می‌دهد، مسافرت و جابه‌جایی تابع نظم و قواعد مخصوصی بود.

در بخش دوم تحت‌عنوان «اخبار و اطلاعات در خصوص اوقاتی که معابر و جاده‌های مشهور جنگی گرجستان در جبال قفقازیه به‌جهت نزول برف و غیره مسدود گشته‌اند و باز شده‌اند از سنه ۱۸۵۱ الی سنه ۱۸۶۲» آگاهی‌های فراوانی درباره علل بسته شدن راه‌ها آمده است. اما آنچه مهم است اراده‌ای محکم و اقدامی اساسی برای باز کردن راه‌ها در مدتی بسیار کوتاه، مثلاً جاده‌ای در «صبح نوزدهم ماه فوریه از برف زیاد و بوران شدید مسدود» شد که بی‌درنگ «در بیست و پنجم همان ماه در وقت ظهر باز» شد.

بخش سوم مخصوص «بعد و فاصله مابین دو شهر تفلیس و استاوروپل و شهرها و بلاد معروف قفقازیه چه از شاهراه‌های پست‌خانه و چه از جاده‌های دیگر از *روی ورست*» است. جالب آنکه داودخانف بر اثر دقت فراوان متوجه شد اخبار و اطلاعاتی که «در کتب آلماناک ما و در خصوص بُعد و فاصله‌های مابین شهرهای متفرقه» آمده است، چندان

درست نیست و بر اساس دگرگونی‌های فراوانی که در اوضاع و احوال قفقازیه به انجام رسیده لازم است راه دیگری در پیش گرفت. این «قاعده و رسم جدید» که داودخانف در پیش گرفت، این بود که «فاصله‌های همه شهرها را تا به شهر *تفلیس* و *استاوروپل*» تهیه کرد و «فاصله‌های مابین منازل که در آن سمت رود کوبان تازه برقرار شده» بود، مشخص کرد و تفصیل آن را در جدولی با سه ستون نوشت.

بخش چهارم این فصل مربوط به «قواعد پست‌خانه‌های قفقازیه» است. چنان‌که از همین عنوان پیداست. در این بخش، عوارض مختلف راه که برای رفت و آمد مسافران و کالاهای گوناگون وضع‌شده، آمده است. مثلاً اشخاصی که با کالسکه‌های خود یا با کالسکه‌های پست‌خانه آمد و شد می‌کنند، باید از قرار عدد استانی که به کالسکه‌های خود می‌بندند، جهت هر و رستی از برای هر اسبی کرایه‌ای که مقرر است دهند. آنهایی که از برای امور خود می‌روند از برای هر اسبی در هر وِرستی چهار کوپک باید بدهند».

در بخش پنجم، در فهرست مفصلی «ایام حرکت و ورود پُست در همه شهرها و امکنه متفرقه قفقازیه به ردیف الفبای روسی» نوشته شده‌است. پس از آن قوانینی که «در خصوص مقدار وجه و نرخ معموله به‌جهت حمل و نقل کاغذ و امانت در همه شهرهای داخله و خارجه در پست‌خانه‌ها استرداد» می‌شد، به تفصیل نوشته‌شده که همه آنها حاکی از قانونمند بودن فعالیت پست‌خانه در آن هنگام است و اینکه درباره جزئی‌ترین بسته‌های پُستی نیز قانونی وضع‌شده بود و مثلاً معلوم بود «از کاغذی که در آن بلیت‌های خزانه دولتی و یا تمسک و سایر اسناد که بر روی کاغذهای ممهوره دولتی نوشته‌شده» چه مقدار پول باید گرفته شود.

در بخش ششم «حرکت و ورود کشتی‌های بخار کمپانی‌های قفقاز و مرکوری در بحر خزر» آمده است و در جدولی مقدار پولی که «به‌جهت اخبار تلگرافی در قفقاز از شهر تفلیس تا به ***پوتی*** و شهرها و امکنه‌ای که در عرض آن خط تلگرافی واقع‌اند» دریافت می‌شد با ذکر جزئیات نقل شده و مثلاً مشخص گردیده که در ازای «یک خبر تلگرافی از یک کلمه تا بیست و پنج کلمه» چند کوپک باید پرداخت می‌شد. در جدول دیگری در همین بخش بهای هشت نوع کاغذ که برای نوشتن عریضه استفاده می‌شد، نوشته شده‌است.

فصل دوم: در بخش اول این فصل، فهرست کوتاهی درباره «وقایع عمده و معروفی که در مملکت قفقاز و قفقاز جنوبی اتفاق‌افتاده» نوشته شده‌است: این رویدادها به دو قسمت سال‌های «پیش از تولد حضرت عیسی (ع)» و سال‌های «پس از میلاد حضرت عیسی (ع)»

تقسیم‌شده‌اند. رویدادهای پیش از میلاد اندک هستند و فقط ۳۱ رویداد را در بر می‌گیرند. این وقایع از ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد که توفان نوح (ع) در آن به وقوع پیوست شروع می‌شود و با تسلیم حال از سوی دولت روم، گرجستان به مهرداد پادشاه اشکانی در سال ۲۸ میلادی پایان می‌پذیرد. بخش وقایع پس از میلاد، بسیار مفصل است و از سال ۳۳ میلادی که اوکار سلطان ایدس به آیین ترسایان درآمد آغاز می‌شود و با عزیمت گراف پاسکِویچ از قفقاز به لهستان در سال ۱۸۳۱ م، به پایان می‌رسد.

بخش دوم درباره مجلسی است «که به خیال ترقی و ترویج عمل زراعت و صنایع مفیده متفرقه و شیوع اخبار و اطلاعات متعلقه به همه اقسام کسب و صنعت» در ۲۷ فوریه ۱۸۵۰ م، برپا شد. چگونگی فعالیت این مجلس که برای رشد و توسعه کشاورزی و صنایع کوچک از جمله قالی‌بافی و نمدمالی و شیشه‌سازی و بخاری و... تأسیس شده بود، به تفصیل بیان شده و مقررات مربوط به آن نوشته شده‌است. یکی از قوانین موضوعه این مجلس این بود که برای تشویق کشاورزان و صنعتگران نمونه که موفق به تولید محصولات مرغوب و کالاهای صنعتی بی‌عیب و نقص و مورد پسند شده‌بودند، جوایزی «از قبیل مدال طلا و نقره و مفرغ و توصیف‌نامه و پول نقد عطا» می‌شد.

بخش سوم «در خصوص خزانه عام قفقازیه» است که برای سروسامان دادن به امور شهرهای قفقاز تأسیس شده بود. در این بخش «در کیفیت و حالت خزانه قفقاز در سنه ۱۸۶۱» شرحی نوشته‌شده و «مقدار وجوهاتی را که داخل خزانه شده» یا از آن خارج شده بود، مشخص و قواعد و شروط آن تعیین‌شده‌اند.

چنان‌که پیشتر نیز اشاره شد، داودخانف از مطالب مختلف موجود در جلد ۱۸ «تقویم قفقاز» فقط بخشی از آن را برای ترجمه به زبان فارسی انتخاب کرده است. روش و انگیزه مطالب انتخاب شده هم مشخص نیست. در برخی از موارد وی مطالبی را انتخاب کرده که برای خواننده ایرانی ارزشی نداشته یا می‌توانست کمتر مورد علاقه آن قرار گیرد. جلد ۱۸ در سال ۱۸۷۰ م، یعنی ۸ سال پس از انتشار آن ترجمه شده و شاید چاپ‌های جدید نداشت.

در مورد اطلاعات عمومی قفقاز در دوره مذکور، مجموعه‌های کامل‌تر و مهم‌تری چاپ شده بود و ترجمه آنها به فارسی، شاید بهتر از انجام ترجمه جلد ۱۸ «تقویم قفقاز» می‌شد. به نظر می‌رسد در مورد قفقاز و نه فقط قفقاز در آن دوره در ایران کمبود شدید اطلاعات کلی و عمومی از یک طرف و نشریات مرتبط روسی و اروپایی از طرف دیگر وجود داشت.

از آن‌جا که جلد ۱۸ «تقویم قفقاز» برای کاربرد عمومی قشرهای مختلف جامعه منتشر می‌شد، متن روسی آن پیچیده یا مملو از اصطلاحات سنگین و متصنع نیست. جمله‌بندی بسیار ساده، واضح و ادبی است. با این وجود در متن ترجمه شده توسط داودخانف ضعف‌های مختلفی دیده‌می‌شود که با توجه به تحصیلات وی در انستیتوی لازارف در مسکو نباید وجود داشته‌باشد. لذا، به نظر می‌رسد سطح تسلط داودخانف به زبان روسی نزدیک به متوسط بوده است. وی بسیاری از صیغه‌های دستوری زبان روسی را با اشتباه متوجه شده و بالطبع در انتقال آن به زبان فارسی نیز به‌اشتباه ترجمه کرده است.

به‌خصوص حالت‌های مختلف صرف اسامی اشخاص و اعلام جغرافیایی روسی که شکل‌های خاص خود را دارد و هر کسی که به زبان روسی مسلط باشد، نمی‌تواند در خواندن، درک و ترجمه آنها مرتکب اشتباه گردد. در ذیل چند مورد واضح نواقص ترجمه فارسی جلد ۱۸ «تقویم قفقاز» اشاره می‌شود:

Кавказскій Календарь

۱. جمله «کتاب المناخ قفقازیه که مشتمل است بر اخبار و اطلاعات متعلق به‌کل مملکت قفقازیه در سنه ۱۸۶۱» و همچنین عبارت عنوان فصل «کتاب المناخ قفقازیه» در منبع اصلی روسی وجود ندارد و به نظر می‌رسد مترجم، آن را به‌خصوص و با هدف توصیف و هماهنگی بیشتر با مجموعه جلد ۱۸ «تقویم قفقاز» به کار برده باشد.

۲. تاریخ ۱۸۶۱ م، نیز اشتباه آمده، زیرا روی جلد ۱۸ این مجموعه و داخل مطالب آن بارها سال ۱۸۶۲ م، به‌عنوان تاریخ انتشار درج شده‌است.

۳. دلیل تغیر عنوان اصلی مجموعه از «تقویم قفقاز» به «کتاب المناخ قفقازیه» مشخص نیست.

۴. داودخانف مقاله دکتر ن. تُرُپوف «نگاهی به تفلیس از دیدگاه نوبه شناسی» را که در منبع اصلی به‌عنوان بخش چهارم فصل سوم تعریف کرده، به‌صورت سرآغاز و فصل اول ترجمه خود آورده‌است. انگیزه وی از این کار نیز مشخص نشد.

۵. مقاله دکتر ن. تُرُپوف با اظهارات مشهور بلز پاسکال دانشمند و متفکر نامی فرانسوی آغاز می‌شود:

Je tiens impossible de connaître
le tout sans connaître en detail les parties
Pascal

«بدون شناسایی جزئیات درک کلیات امکان‌پذیر نیست» اما مترجم (داودخانوف) آن را کاملاً حذف کرده است.

۶. اصطلاح kavkaz / Кавказ «قفقاز» در زبان روسی سده ۱۹ و اوایل سده ۲۰ م، کاربرد خاصی داشت. واژه بسیط kavkaz / Кавказ «قفقاز» به‌معنای «قفقاز شمالی» به کار می‌رفت. اما ترکیب zakavkazye / закавказье تحت اللفظی «ماورای قفقاز» به‌معنای «قفقاز جنوبی» کاربرد داشت. داودخانف کاربرد جهت گیری جغرافیایی اصطلاح مذکور را متوجه نشده است و با اشتباه ترجمه تحت‌اللفظی «قفقازیه» و «آن سوی قفقازیه» ترجمه کرده که مشکلات درک درست مطلب را ایجاد می‌کند. در اصل با جهت‌گیری از شمال به جنوب قفقاز جنوبی برای گوینده روس zakavkazye / закавказье، «ماورای قفقاز» تلقی می‌شود. ولی با جهت‌گیری از جنوب به شمال قفقاز شمالی برای گوینده ایرانی «ماورای قفقاز» را القاء می‌کند. اصطلاحات درست امروز «قفقاز شمالی» North Caucasus و «قفقاز جنوبی» South Caucasus یا همان Transcaucasus است.

۷. داودخانوف چند اصطلاح علمی را که در منبع اصلی به کار رفته، احتمالاً به‌دلیل عدم وجود معادل فارسی آنها یا ترجمه نکرده یا به‌صورت توصیفی ترجمه نموده‌است. مانند: пиретология به لاتینی: piretology «نوبه شناسی»؛ Hidrography / Гидрография «هواشناسی» را به‌صورت «آب و هوا» ترجمه کرده است.

۸. اصطلاح منبع اصلی «ترک» را به‌صورت «عثمانی» ترجمه می‌کند.

۹. در برخی از موارد مترجم عناوین جدید بخش‌های مختلف ترجمه را ترکیب کرده که در منبع اصلی وجود ندارد.

۱۰. مترجم در اکثر موارد متن را بدون استفاده از روش و شیوه یکسان با سلیقه خود خلاصه یا قسمت‌هایی از آن را کاملاً حذف می‌کند. در بعضی از موارد، یک جمله یا چند جمله و در برخی دیگر، از یک تا چند صفحه کامل را حذف کرده است.

۱۱. به نظر می‌رسد داودخانوف سعی داشت مطلب را هرچه ساده‌تر ترجمه کند تا برای خواننده فارسی زبان درک آن آسان‌تر باشد.

۱۲. مترجم اصطلاح روسی докторъ به لاتینی Doctor «دکتر، پزشک» را با واژه «حکیم» به فارسی ترجمه کرده و بعد از اسم فرد آورده‌است. در سایر موارد هم از همین

روش ترجمه استفاده می‌شود: نخست اسم فرد و سپس سمت یا رتبه او آورده شده‌است.

۱۳. در منبع اصلی روسی: Свиной به لاتینی:Svinoy. «جزیره خوک» نام قدیمی روسی جزیره کوچک «سِنگی موغان» Sengi Mughan به آذربایجانی Səngi Muğan adası در ۱۶ کیلومتری جنوب شهر باکو است. داودخانوف نتوانسته اسم جغرافیایی مذکور را در حالت فاعلی اسم روسی به‌صورت Svinago / Свинаго درست بخواند و به‌اشتباه به‌صورت «سونیاکو» آورده‌است.

۱۴. در برخی از موارد مترجم اسامی جغرافیایی منبع اصلی را تغیر داده است. اسم شهر منبع اصلی روسی: / Shemakh Шемахъ، «شماخا» را با اصطلاح «شیروان» و Нухъ به لاتینی Nukh نام شهر تاریخی «نوخ» را به‌صورت «شکّی» ترجمه کرده است. البته در اواخر قرون وسطی و روسیه تزاری هر دو اسم «نوخ» و «شکّی» به‌عنوان معادل مساوی و نام دوگانه شهر تاریخی مذکور به کار می‌رفت. اسم شهر منبع اصلی روسی: Шушъ به لاتینی Shush «شوش» نام شهر تاریخی و مرکز منطقه قراباغ یا قره باغ را با اسم منطقه «قراباغ» تغییر داده است.

۱۵. مترجم اسم جغرافیایی Божий Промысел به لاتینی Bozhy Promisel «بوژی پرومیسِل» منبع اصلی روسی را که نام شهرک روس نشین در حومه شهر لنکران در سده ۱۹ م، و در حال حاضر بخشی از خود شهر لنکران کنونی در جنوب جمهوری آذربایجان است، در متن فارسی حذف کرده است.

۱۶. در Делижан به لاتینی Delizhan «دِلیژان». نام روستای کوچک ارمنی‌نشین استان الیزاوِتُپِل (گنجه) در اواسط سده ۱۹ م، در نسخه ترجمه فارسی به‌اشتباه به‌صورت «جلالین» داده‌شده‌است.

۱۷. مترجم در برخی از موارد محتوی جملات را صحیح متوجه نشده و در نتیجه به‌اشتباه ترجمه کرده است. به‌عنوان مثال: در نسخه ترجمه فارسی: «در خصوص بُعد و فاصله مابین دو شهر تفلیس و استاوروپل و شهرها و بلاد معروف قفقازیه چه از شاهراه‌های پست‌خانه و چه از جاده‌های دیگر از روی ورست که هر ورست هفت یک فرسنگ است»؛ باید باشد: «راهنمای فاصله وِرستی جاده‌های پست و غیره از تفلیس و استاوروپل تا همه شهرها و جاهای مهمِ منطقه قفقاز» و به‌عنوان بخش چهارم فصل دوم تحت‌عنوان «اطلاعات عمومی مفید».

۱۸. اسم جغرافیایی Средний Егорлык به لاتینی Sredny Yegorlyk «سِردنی یِگورلیک» روستا در استان رُستوف در جنوب روسیه در نسخه ترجمه فارسی با اشتباه به‌صورت «سریدئیه یکور السینک» داده‌شده‌است.

نسخه کنونی تحت‌عنوان «*جغرافیای قفقازیه*» با شماره بازیابی ۵-۱۰۰۰۲ در گنجینه مخطوطات کتابخانه ملی ایران، بر روی کاغذ فرنگی سفید لبه طلائی به خط نستعلیق خوش با جلد چرمی بنفش با جدول زر، ضربی، مقوایی نگهداری می‌شود. دارای تزئینات متن، دو جدول که یکی خارجی زر و مشکی؛ و دیگری درونی زر و شنگرف و لاجورد است. سرلوحه زر و شنگرف و لاجورد و سبز با گل و بوته، میان سطور دو صفحه اول طلااندازی است و تصاویر آن دارای حاشیه‌سازی است. سه قطعه عکس الحاقی به همراه یک جدول راجع به زمان حرکت کشتی‌ها نیز در نسخه موجود است. این نسخه ۲۹۲ برگ ۱۴ سطری دارد که اندازه سطور آن ۱۷۵ x۱۲۰ در قطع ۲۰۰ × ۲۶۵ است. چنان‌که اشاره شد این نسخه در سال ۱۲۷۸ ق / ۱۸۷۰ م، ترجمه و به فارسی برگردانده شده‌است و در مجموعه نسخ خطی بیوتات سلطنتی نگهداری می‌شد که پس از انقلاب به گنجینه مخطوطات کتابخانه ملی منتقل گردیده‌است.

تصحیح حاضر، تلاشی است برای ارائه منبعی ارزشمند از تاریخ قفقاز و تحولاتی که این منطقه در ازمنه مختلف و وقایع مربوط به سال ۱۲۷۱ق/۱۸۶۳ م، شاهد بوده است. بدیهی است اگر مساعدت‌های خالصانه پروفسور الکساندر چولوخادزه، که با همدلی، دقت و تعهد مثال زدنی‌شان نبود، این کار به انجام نمی‌رسید و همچنان، در آوانگاری دقیق و صحیح اعلام و اماکن جغرافیایی، نقایص موجود باقی می‌ماند. توضیحات و تعلیقات ضروری در خصوص گزارش‌های متن و مشخص شدن نحوه نگارش، ترجمه و یافتن بخش محذوف این آلماناک، غفلت بزرگی می‌شد که خوشبختانه این شانس بزرگ را داشتم که از خرمن دانش و پیگیری‌های عالمانه ایشان بهره‌مند شده و اینک مجموعه حاضر را تقدیم محققان، استادان، دانشجویان و علاقه‌مندان تحقیقات تاریخ قفقاز پیشکش کنم. سپاس‌گزار همراهی‌های استاد چولوخادزه و آقای محمود طاهر احمدی و آرزومند سلامتی و سربلندی شان هستم. ویژگی دیگر اثر حاضر نمایه‌ای است که با توجه به حجم مطالب و اهمیت تنوع و کثرت اسامی موجود در نسخه اصلی، در نوع خود برای اولین بار تهیه شده است.

الهام ملک‌زاده

۴ آذر ۱۴۰۴



نمای روی جلد ۱۸ «تقویم قفقاز»

«تقویم قفقاز»

برای سال ۱۸۶۳ میلادی

نشر

اداره کل نایب‌السلطنه امپراتوری روسیه در قفقاز

جلد ۱۸

تفلیس

انتشارات اداره کل نایب‌السلطنه امپراتوری روسیه در قفقاز

۱۸۶۲ میلادی

ترجمه کامل روی جلد ۱۸ «تقویم قفقاز»